

تاریخ دریافت: ۱۶ دی ۱۴۰۲ تاریخ پذیرش: ۲۶ اسفند ۱۴۰۲ صفحات ۱۲۷ الی ۱۴۷

مؤلفه‌های مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران^۱

محمد آرمان فر

گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

armanfar.m@gmail.com

فؤاد مکوندی*

گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

foad.makvandi@iau.ac.ir

سیروس کراهی مقدم

گروه مدیریت دولتی، واحد شوشتر، دانشگاه آزاد اسلامی، شوشتر، ایران

s_korahi@yahoo.com

محمد همتی

گروه مدیریت، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران

m.hemati@semnaniau.ac.ir

چکیده: مسئله‌شناسی سیاستی، پدیده‌ای چند بُعدی است که تاکنون کمتر به عنوان یک مرحله مستقل در فرایند سیاست‌گذاری مورد توجه قرار گرفته است. بهره‌گیری از چارچوبی فراگیر برای شناسایی مسائل سیاستی، امکان تعیین و رسیدگی کارا و اثربخش به مسائل اولویت‌دار و راهبردها را فراهم می‌آورد. این پژوهش مؤلفه‌هایی برای شناخت مسائل سیاستی در حوزه تولید شرکت ملی نفت ایران ارائه می‌دهد. این پژوهش اقتباسی از رساله دکتری با عنوان ارائه چارچوب مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران بوده و مدلی مفهومی ارائه می‌نماید. نتیجه تحلیل محتوای کیفی ۲۵۲ سند که ۱۶۹ فقره از آنها دسته اول و ۸۳ مورد غیر دسته اول^۲ بوده و در قالب ۲۰ مفهوم گروه‌بندی گردیده است. در این مطالعه، طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، ۳۲۴۳ مفهوم، ۲۶۴ مولفه فرعی و ۱۶ مولفه اصلی احصاء شده است. نتایج حاصل نشان می‌دهد که مولفه‌های مرتبط با حاکمیت، گروه‌های ذی‌نفع، گروه‌های ذی‌نفوذ، حساسیت مسئله، قلمرو مسئله، مقطع زمانی وقوع و هزینه‌های ایجاد شده مرتبط با مسئله، بر فرآیند شناخت مسائل سیاستی تولید در شرکت ملی نفت ایران تأثیرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی: مسئله‌شناسی، سیاست‌گذاری تولید، شرکت ملی نفت ایران، مولفه‌های مسئله‌شناسی، تحلیل مسئله، تحلیل سیاست‌ها

* نویسنده مسئول

^۱ این مقاله مستخرج از رساله دکتری محمد آرمان فر با عنوان "ارائه چارچوب مسئله‌شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران" است.

۱- مقدمه

همزمان با کشف نفت، سیاست‌گذاران و ذی‌نفعان با وظیفه چالش برانگیز و پیچیده ایجاد و توسعه منابعی جدید در کشور خود مواجه می‌شوند. این پژوهش تلاش می‌کند مولفه‌های مربوط به بخشی مهم از فرایند سیاست‌گذاری در این حوزه یعنی مسئله‌شناسی تولید را ارائه دهد. سیاست‌های نفتی و هدف از وضع آنها که پایه و اساس مسئله‌شناسی در این حوزه می‌باشند به طور قابل توجهی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. بطور کلی مسئله‌شناسی یکی از مهمترین مراحل فرآیند سیاست‌گذاری می‌باشد زیرا تحقق اهداف سیاست‌گذاران و کسب موفقیت سیاست‌ها در این مرحله پایه‌گذاری می‌گردد. از طرفی اهمیت مسئله‌شناسی در این است که سنج‌ای برای صحت و دقت مرحله تدوین و شکل‌گیری سیاست‌ها می‌باشد. شناسایی معیارهایی برای چارچوب سازی موفق مسئله‌شناسی در سیاست‌گذاری تولید شرکت ملی نفت ایران می‌تواند به توفیق بیشتر در اجرای این سیاست‌ها منجر شود و به سیاست‌گذاران، مجریان و بخش‌های ذیربط کمک کند که مانع شکست در مرحله اجرای سیاست‌ها شوند. اگرچه هیچ خط مشی واحد و هیچ پاسخ روشنی برای همه معضلات بالقوه سیاستی وجود ندارد، این پژوهش ممکن است به سیاست‌گذاران کمک کند تا به نقطه تعادلی در شناخت مسائل سیاستی و گزینه‌های مناسب در خط‌مشی‌گذاری برای دستیابی به این اهداف دست پیدا کنند.

شرکت ملی نفت ایران به عنوان بزرگترین هلدینگ تولید انرژی در ایران در چنان جایگاه راهبردی قرار دارد که تدوین لایحه بودجه سالیانه کشور منوط به ارائه برنامه پیش‌بینی تولید شش ماهه، یک ساله و پنج ساله این شرکت می‌باشد (شادی‌وند، ۱۳۹۴). در این میان سیاست‌گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران متأثر از عوامل متعدد داخلی و بین‌المللی و فرایندی بسیار پیچیده و حساس بوده که شامل مراحل مختلفی می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۵). یکی از مراحل اصلی سیاست‌گذاری و به عبارتی نخستین گام، شناسایی و شناخت مسئله به عنوان واقعیت و صورت‌بندی آن برای قرارداد در دستور کار سیاست‌گذاران است. مراحل آتی سیاست‌گذاری خواسته یا ناخواسته از چگونگی سپری شدن این فرایند و برآیند آن متأثرند. براین مبنا صورت‌بندی مسئله در حقیقت «یک نظام هدایت مرکزی یا نوعی ساز و کار هدایت‌کننده» است که در موفقیت مراحل بعدی تجزیه و تحلیل سیاستی، مؤثر است (غلامپور، ۱۳۹۶). از این جهت یکی از مهمترین وظایف سیاست‌سازان و سیاست‌پژوهان، شناخت مسئله است. شناخت مسئله از چند بُعد مورد توجه است؛ بامسئله‌شناسی، حواشی غیرضروری از پیرامون مسئله اصلی به کنار زده می‌شود، شناخت مسئله، تجزیه و تحلیل مناسبی را نسبت به فرایند ایجاد می‌کند، شناخت درست مسئله در اتخاذ سیاست مناسب اثر مستقیم دارد (Willemsen, ۲۰۱۸). مسئله ممکن است نتیجه یک رشته نیازهای عملی یا نظری باشد. تمایلات و ارزش‌های معنوی خود پژوهشگر نیز یکی از عوامل دخیل در انتخاب مسئله است (تاجداری، ۱۳۹۱). مسئله را می‌توان عدم توانایی در تبدیل داده‌ها به اطلاعات و اطلاعات به دانش در رابطه با پدیده‌ها، رویدادها، امور، اشیاء و... دانست. بررسی رابطه بین حداقل دو متغیر (مفهوم، پیوند، پدیده و...) و یا بیشتر وجود و چگونگی آن را مسئله گویند (Ackoff, ۱۹۸۹). سیاست‌گذاری انرژی با حوزه‌های مختلف اقتصادی، امنیتی، زیست‌محیطی، فناوری، اجتماعی و حمل‌ونقل هم‌پوشانی و تداخل دارد (عسگری، ۱۳۸۷). از سوی دیگر اشتریان (۱۳۸۹) بر مسئله‌شناسی به عنوان سنگ بنای سیاست‌گذاری تأکید نموده و ذکر

می‌کند: سنگ بنا در سیاست‌های کلان هدف‌گذاری است و سنگ بنای هدف‌گذاری، در تعیین مسئله صورت می‌گیرد. وقتی یک مسئله شفاف در سیاست‌گذاری وجود نداشته باشد، نمی‌توان هدفی را تعیین کرد و وقتی هدف نباشد، سیاست شفافی هم نمی‌توان ترسیم کرد. از سوی دیگر با توجه به اینکه پژوهش جامعی با تمرکز بر شناسایی نظام مند و دقیق مؤلفه‌های مسائل سیاستی در فرایند سیاست‌گذاری انجام نشده است در این پژوهش تلاش شده با شیوه‌ی اکتشافی جوانب پنهان موضوع روشن شده و روابط میان این مؤلفه‌ها ترسیم گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

گاهی مسئله‌شناسی از طریق تحلیل سیاست‌های پیشین بر اساس وضعیت کنونی انجام می‌شود. به عنوان نمونه‌ای از این روش موريس و مینرز (۲۰۱۳) با انجام تحلیلی بر رقابت در بازار جهانی نفت، مهمترین مسائل حوزه صنعت نفت شامل ساختار بازارها، مسائل سیاسی، مسائل عرضه، قیمت، رقابت‌پذیری را از طریق مرور صدها مقاله علمی از سال ۱۹۴۵ تا سال ۲۰۱۳ احصاء نمودند. مسئله‌شناسی و سکوتر (۲۰۱۶) بیان کرده که افزایش درآمد منابع طبیعی در سطح دولت‌های محلی، لزوماً تضمین نمی‌کند که به خوبی هزینه شوند. در این مقاله از نمونه‌هایی از آمریکای لاتین و آفریقای شرقی برای بحث در مورد چهار عملی استفاده شده است که می‌تواند به استفاده عادلانه و کارآمدتر از منابع نفت و گاز در سطح محلی کمک کند. همچنین چالش‌های اجرای آنها را تحلیل می‌کند. سولوویووا (۲۰۱۵) شناخت دقیق مسئله را منوط به تفکیک مدل‌های قدرت و وظیفه و اندازه‌گیری عینی آن با استفاده از شناخت ویژگی‌های ابزارهای قدرت استفاده و شدت اثر آنها تحت عنوان پدیده‌ی قدرت مخلوط-قدرت هوشمند (برگرفته از ایده پردازی جوزف نای) می‌داند. به دلیل انفعال ذاتی این روش مرسوم (مسئله‌شناسی پس از اجرای سیاست و مبتنی بر تحلیل سیاست) سیاست‌گذاران هزینه زیادی برای شناخت مسائل متحمل شده و رویکرد شناخت دقیق^۱ مسئله قبل از مرحله تدوین دستور کار مورد اقبال سیاست‌گذاران قرار گرفته است. لیکن گستردگی ابعاد مسائل سیاستی و سیال بودن ماهیت مؤلفه‌های تاثیرگذار بر آنها طراحی یک مدل جامع و مانع برای مقوله مسئله‌شناسی را ناممکن نموده و ناگزیر باید هر حوزه‌ی سیاستی خاص بطور تخصصی مورد موشکافی و بررسی دقیق قرار گرفته و مدل مسئله‌شناسی خاص همان حوزه تهیه گردد. از این رو مقاله حاضر در تلاش است با بررسی دقیق ابعاد مختلف مسئله تولید در شرکت ملی نفت ایران مدلی جهت سیاست‌گذاری هوشمندانه در این حوزه پیشنهاد نماید.

در تبیین مبانی نظری و پیشینه این پژوهش باید به گونه‌های مدرن سیاست‌گذاری مانند سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد که در آن شناخت مسئله بر اساس معیارهای علمی و شواهد متقن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است نیز اشاره نمود. اصطلاح «مبتنی بر شواهد» که بیشتر در حوزه پزشکی به کار می‌رود، در مورد سیاست‌گذاری نیز کاربرد دارد. به عقیده گری^۲ (۲۰۰۸) در حوزه سیاست‌گذاری نیز می‌توان بر دو نوع سیاست‌گذاری مبتنی بر عقیده و نظر و سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد اشاره کرد. تغییر از روش قدیمی سیاست‌گذاری با منشأ ایدئولوژیک (سیاست‌گذاری مبتنی بر عقیده و نظر) به سیاست‌گذاری

^۱ Scrutinizing

^۲ Gray

مبتنی بر شواهد در اثر پیشرفت‌های بسیار مهم به وجود آمده است. یکی از این پیشرفت‌ها، رشد جمعیت تحصیل کرده و آگاهی است که به صورت فعال در پی سؤال از تأثیر اقدامات اقتصادی و اجتماعی دولت هستند (Davies, et al., ۲۰۰۸). به ویژه اینکه رشد هزینه‌های عمومی موجب می‌شود که مالیات دهندگان در مورد مشکلات اجتماعی و تأثیرشان بر سرمایه‌های عمومی تحقیق کنند (Sanderson, ۲۰۰۲). پیش فرض مبتنی بر شواهد این است که اگر بتوان در مورد موضوع و مسئله، اطلاعات گسترده و با کیفیتی جمع‌آوری کرده و آن را به دانش معنادار تبدیل نمود و در بین افراد ذی‌نفع که قدرت عمل دارند، منتشر کرد، می‌توان در مورد مسائل تصمیمات بهتری اتخاذ نمود (Clarence, ۲۰۱۶). سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد یک دهه پیش در چندین کشور پیشرفته از جمله در بریتانیا (Jewell & Bero, ۲۰۰۸) و ایالات متحده (Bulmer, et al, ۲۰۰۷) مطرح شد. مرکز ملی کنترل و پیشگیری بیماری آمریکا^۳ (۲۰۲۰) ابعاد مختلفی را در مسئله شناسی به عنوان یکی از مراحل ضروری سیاست‌گذاری بر می‌شمرد که از آن جمله بررسی علل وقوع، بیان دقیق و شفاف مسئله، تعیین کسانی که تحت تأثیر مسئله قرار می‌گیرند، گستره مسئله، ذینفعان مسئله و اطلاعات مربوط به آنها، شناسایی عوامل تشدید کننده مسئله، پیش بینی زمان و مکان بروز مسئله و تنظیم مسئله به گونه‌ای که به روشن شدن راه حل‌های احتمالی کمک کند می‌باشند. سازمان مشارکت و برنامه‌ریزی عمومی کانادا^۴ (۲۰۲۰) نیز جلب مشارکت ذینفعان، تحلیل شکلی مسئله شامل نحوه تعریف مشکل و شفافیت در بیان ابعاد آن، تحلیل ساختاری شامل ساختارهای مختلف دولتی و غیر دولتی که به نحوی در مسئله یا راه حل آن سهیم هستند، تحلیل گونه‌شناسانه شامل نحوه مواجهه و درک ذینفعان مختلف با مسئله، تحلیل عوامل محیطی شامل اسکن محیط تأثیر گذار و تأثیر پذیر از مسئله از طریق نظر سنجی و پرسش‌نامه‌ها، تحلیل رویکردی برای سنجش میزان تعارض و یا توافق روی مسئله، تحلیل اطلاعاتی شامل اعتبار سنجی اطلاعات مرتبط با مسئله و روش‌های گردآوری آن‌ها، مشروعیت و نگاهت نهادی شامل نوع نگرش نهادهای قانون‌گذار و احزاب و گروه‌های ذی‌نفوذ و اینکه چه کسی و چگونه باید به مسئله رسیدگی نماید را به عنوان ابعاد مختلف مسئله شناسی بیان کرده است. ساختاربندی مسئله به افراد و گروه‌ها در برقراری ارتباط از دیدگاه‌های خود با مسئله و بازنمایی ذهنی آنها از مسئله کمک می‌کند (مسیا و والاس، ۱۹۹۶). جمع‌آوری شواهد و دانش موجود و طراحی گزینه‌های متفاوت در مسئله‌شناسی و تامین نیاز سیاست‌گذاران مهم هستند (استرک و همکاران، ۲۰۰۹). علاوه بر موارد ذکر شده ابزارهای مبتنی بر فناوری اطلاعات نیز فرایند مسئله‌شناسی را تسهیل نموده است (هاردی و همکاران، ۲۰۰۴). از سوی دیگر بهترین شیوه مسئله‌شناسی مستلزم مشارکت ذینفعان می‌باشد (مک‌فالن و پرست، ۲۰۱۱). همچنین در تمرکز بر یک مسئله سیاستی خاص و زمینه آن، شناسایی بازیگران، ارتباطات آنها، تاریخچه آنها و منافع آنها و بازسازی ساختارهای قدرت و عناصر در ساختار قدرت در اولویت است (آلیجیکا، ۲۰۰۶). از دیگر شاخص‌های قابل توجه در مسئله‌شناسی نگاهت نهادی است. نگاهت نهادی مربوط به درک توزیع قدرت موجود است. اشکال مختلف قدرت ممکن است توسط یک ذی‌نفع به کار گرفته شود تا بر

^۳ Centers for Disease Control and Prevention(CDC)^۴ Public Engagement and Planning Division (PEPD-CANADA)

نتیجه فرایند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارند (مک فادین، پریست و گرین، ۲۰۱۰). همچنین سطح بالایی از شفافیت در روند سیاست‌گذاری لازم است (لوت، ۲۰۱۶، لابتوکوف و وایمتال، ۲۰۱۷). از دیگر ابعاد مورد توجه در مسئله شناسی به عنوان مقدمه سیاست‌گذاری طرح ریزی برای کسب مشروعیت است زیرا هر بررسی در مورد مشروعیت سیاست ابتدا باید در تعریف آن تأمین شود، همچنین تعیین شود که مشروعیت چگونه و با استفاده از کدام روش‌ها باید به درستی اندازه‌گیری و ارزیابی شود (متی، ۲۰۰۹). خواستار (۱۳۹۰) در کتاب خود با عنوان تصمیم‌گیری و خط‌مشی‌گذاری در بخش عمومی ذکر می‌کند که وظیفه دولت در خط‌مشی‌گذاری انتخاب یک یا ترکیبی از چند ابزار است که با فعالیت مورد نظر بیشترین تناسب را دارند. در این انتخاب دولت باید محدودیت‌ها و قابلیت‌های هر مقوله از ابزارها و همچنین پیامدهای ناشی از به کارگیری آن‌ها را مدنظر قرار دهد. ابزارهای مختلف، درجات مختلفی از اثربخشی، کارآیی، برابری، مشروعیت و حمایت سیاسی دارند که مناسب بودن آن‌ها موقعیت‌های خاص مسئله را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از دیگر دیدگاه‌های جدید در مسئله شناسی «تحلیل رویکردی» به عنوان یکی از ابزارهای ساختاردهی به مسئله و درک بهتر آن و در نتیجه افزایش احتمال دستیابی سیاست‌ها به اهداف مورد نظر می‌باشد (میلووانویچ، ۲۰۱۸). تحلیل رویکردی منجر به شناسایی روایت‌های دیگری از مسئله که مطابق با روایت غالب نیستند می‌شود (براون و همکاران، ۲۰۱۸). آنچه که غالباً در مباحث سیاست‌گذاری مورد غفلت واقع شده است درک ویژگی‌های اصلی مشکلات است که به روشنی با گزینه‌های طراحی سیاست و انتخاب ابزارهای سیاست مرتبط است (هورنیک و پیترز، ۲۰۱۷). در مورد ارتباط ابزار سیاست‌گذاری و ماهیت مسئله چارچوب پیترز پیشنهاد می‌کند که مسائل سیاستی را می‌توان از لحاظ هفت ویژگی درک نمود، و استدلال می‌کند که درک مسائل سیاستی از طریق این خصوصیات می‌تواند کیفیت طرح‌های سیاستی را ارتقا داده و انتخاب ابزار را تسهیل نماید. سه مورد اول از ویژگی‌های پیترز به ماهیت مسائل مربوط می‌شوند و به نظر می‌رسد ممکن است بر انتخاب آن دسته از ابزارهای سیاست‌گذاری که بیشتر بر روی فرآیند تمرکز دارند تا ابزار تأثیر بگذارند (پیترز و هورنیک، ۲۰۰۵). این ویژگی‌ها شامل "حل شدن"، "پیچیدگی" و "گستره" هستند. مجموعه دوم از ویژگی‌ها بیشتر به ارتباط بین ویژگی‌های مسئله و انتخاب ابزار مربوط می‌شود، و این متغیرها دارای پیامدهای اساسی‌تر هستند. (همان، ص ۸۷). فناوری‌های نوین اطلاعاتی نظیر یادگیری ماشین، داده‌کاوی، پردازش کلان‌داده‌ها و هوش مصنوعی نیز در سال‌های اخیر افق‌های نوینی در ارائه تحلیل‌های جامع و دقیق از مسائل سیاستی گشوده‌اند (بوچانان و میلر، ۲۰۱۷، استیور، ۲۰۱۸، مک نات و لونگو، ۲۰۱۸، هاشتل و همکاران، ۲۰۱۶، ون دن برگ، ۲۰۱۷، شارما و همکاران، ۲۰۲۰). حسینی و همکاران (۱۳۹۳) در جهت تبیین نظام مسائل صنعت نفت ایران، مسئله حق مالکیت را به عنوان عاملی تأثیرگذار بر ذی‌نفعان و به تبع آن امر سیاست‌گذاری دانسته و با استفاده از برش‌های مفهومی در حوزه‌های سیاست‌گذاری، حقوق و اقتصاد با رویکرد نهادی و استفاده از الگوی موسوم به تحلیل و توسعه نهادی استرم به این نتیجه رسیده‌اند که تحلیل چيستی مسئله در فرایند سیاست‌گذاری مورد غفلت واقع شده است. پیتاتزيس (۲۰۱۶) عملیات شرکت‌های جهانی تولیدکننده نفت و گاز جهان را مورد تحلیل آسیب‌شناسانه قرار داده و مسائل عدم اطمینان نسبت به بازگشت سرمایه، کمبود مهارت، هزینه توسعه، عدم اطمینان برای ورود به بازار با گذشت زمان، بودجه ناکافی، عدم

اطمینان از قیمت‌های نفت و گاز، مقررات بیش از حد سختگیرانه به عنوان مهمترین آسیب‌ها احصاء نموده است. بیتی (۲۰۲۰) در تحلیلی بنیادین، مسائل مخاطره آمیزی که شرکت‌های نفت و گاز با آن‌ها مواجه هستند را در پنج گروه مخاطرات سیاسی، مخاطرات زمین شناختی، ریسک قیمت، مخاطرات تأمین و تقاضا و مخاطرات هزینه دسته بندی نموده است. لنگووا (۲۰۱۷) مخاطرات استراتژیک شرکت‌های نفت و گاز را با مطالعه در شرکت لوک اویل به شرح مخاطرات سیاسی، مخاطرات اقتصادی-اجتماعی، مخاطرات محیطی، مخاطرات علمی و فنی، مخاطرات عملیات تولید، مخاطرات فعالیت‌های پشتیبانی، مخاطرات در حوزه فراورش، مخاطرات در حوزه گردش کار، مخاطرات در حوزه مدیریت تشریح نموده است. این رویکرد مبتنی بر مسئله شناسی در عارضه یابی برنامه‌ی استراتژیک شرکت لوک اویل روسیه جهت افزایش احتمال موفقیت سیاست‌های آن در بخش تولید اثر مثبت داشته است. در ایران در ارتباط با تصمیم سازی در حوزه انرژی به ویژه دیپلماسی انرژی در برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور (سال ۱۳۸۱) به منظور تمرکز سیاست گذاری در بخش انرژی کشور تشکیل شورای عالی انرژی پیش‌بینی شد که این شورای عالی در مواجهه با موانع بروکراتیک و برخی موانع ساختاری، توفیق چندانی بدست نیاورد و کل جلسات شورای عالی انرژی تنها به یک جلسه و عدم اجرای مصوبات آن منتهی شد (معظمی و آشتیانی، ۱۳۹۱). بنابراین با توجه به اهمیت بازنگری و به روزآوری شیوه‌های سیاست گذاری، جایگاه شرکت ملی نفت در ایران و اهمیت مسئله‌شناسی به عنوان یکی از ارکان سیاست گذاری، این پژوهش قصد دارد ضمن تجزیه و تحلیل مقوله مسئله‌شناسی در فرایند سیاست گذاری تولید شرکت ملی نفت ایران با شناسایی نظام مند مؤلفه‌های شناخت مسائل سیاستی راه را برای تدوین سیاست‌های مبتنی بر شناخت مسئله هموار ساخته و برای نیل به این هدف چارچوبی برای مسئله‌شناسی در سیاست گذاری تولید شرکت ملی نفت ایران ارائه نماید.

۳- روش تحقیق

هدف اصلی این پژوهش شناسایی مؤلفه‌های مسئله‌شناسی در سیاست گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران می‌باشد و از نظر نتیجه در زمره تحقیقات توسعه‌ای قرار دارد. این پژوهش از نظر هدف کاربردی است و از بعد شیوه گردآوری اطلاعات از نوع کیفی و از بعد منطق گردآوری داده‌ها از نوع استقرایی است. در این پژوهش از روش‌های عمده کتابخانه‌ای و پیمایشی بهره‌گیری شده است. با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مطالعه سیاست‌ها، کتاب‌ها، مقاله‌ها و پایان نامه‌ها، اطلاعات لازم در زمینه مفاهیم و نظریه‌های مربوط به مسئله‌شناسی گردآوری شده و مؤلفه‌ها و شاخص‌های مسئله‌شناسی با استفاده از روش تحلیل محتوای متون مشخص گردیده‌اند. فرآیند تحقیق با توجه به هدف اصلی پژوهش بدین شرح است: این پژوهش در ابتدا به بررسی عمیق و موشکافانه‌ی ادبیات موضوع و پژوهش‌های انجام شده داخلی و خارجی پرداخته تا مبانی اولیه در تدوین پیش فرض‌های لازم برای بررسی تحلیلی عوامل مرتبط با موضوع پژوهش تعیین گردد. در مرحله بعد تدوین چارچوب نظری بر اساس عواملی که در شناخت مسئله، مهم تشخیص داده شده‌اند و روابط بین آن‌ها نظریه پردازی صورت می‌گیرد. این چارچوب هم از نتایج تحقیقات قبلی ترسیم شده و هم زائیده منطق ذهنی محقق می‌باشد که با مطالعه پیشینه

تحقیق و ادبیات تحقیق به آن رسیده است. پس از تدوین چارچوب نظری، به تدوین چارچوب تحلیلی تحقیق پرداخته می‌شود. منابعی که در این پژوهش استفاده شده عبارتند از: اسناد و قوانین بالادستی حوزه سیاست‌گذاری جامع انرژی کشور، ادبیات و پژوهش‌های پیشین داخلی و خارجی، سخنرانی‌ها، پایگاه‌های اطلاع‌رسانی و وب سایت‌های خبری و تحلیلی، مستندات نهادهای بالادستی فعال در حوزه سیاست‌گذاری انرژی شامل قوانین، اساسنامه‌ها، مأموریت‌ها، چشم‌اندازها و نظرات خبرگان که به تعدیل یافته‌ها و شناسایی چالش‌های مسئله‌شناسی تولید در فرایند سیاست‌گذاری تولید شرکت ملی نفت ایران می‌پردازد چارچوبی برای شناخت و تبیین موضوع و استفاده از روش تحلیل محتوا در گام بعدی پژوهش منجر می‌شود. نتیجه این بررسی، شناسایی کلیدی‌ترین چالش‌های مسئله‌شناسی در فرایند سیاست‌گذاری تولید شرکت ملی نفت ایران از منظر مدیران، مقامات، پژوهشگران، فعالین و صاحب‌نظران حوزه انرژی و طراحی یک چارچوب مفهومی می‌باشد. در مجموع این تحقیق محتوای متون مختلف شامل ۲۵۲ سند علمی اعم از کتاب، گزارشات تحلیلی، مقاله، مصاحبه، اسناد بالادستی و قانونی و ... به عنوان داده‌های کیفی جمع‌آوری و از مقوله‌هایی که ضرورتاً از داده‌های کیفی مانند ادبیات و الگوی نظری موجود اخذ شده‌اند، جهت تلخیص و تحلیل استفاده گردیده هرچند که این مقوله‌ها بارها براساس داده‌های کیفی مجدداً ارزیابی و در صورت نیاز اصلاح شده‌اند. در بخش پایانی این تحقیق یافته‌های برخاسته از متن، ارائه و تفسیر گردیده و از داده‌های نظری موجود برای بررسی نتایج تحقیق و مقایسه آنها استفاده شده است که این می‌تواند به عنوان نوعی گذر به منطق قیاسی در بخش گزارش تحقیق در نظر گرفته شود. بخش‌هایی از متون مورد مطالعه نیز برای مستند کردن یافته‌های تحقیقی مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش برای شناسایی منابع مورد نیاز در مرور سیستماتیک ادبیات از روش وبستر و واتسون (۲۰۰۲) پیروی شده است.

۱-۳- پایایی نتایج پژوهش

به منظور سنجش پایایی تحلیل انجام شده از شاخص کاپا استفاده شده است. شاخص دیگری به عنوان ناظر (از نخبگان این رشته) بدون اطلاع از نحوه ادغام کدها و مفاهیم ایجاد شده توسط محقق، اقدام به دسته‌بندی کدها در مفاهیم کرده است. سپس مفاهیم ارائه شده توسط محقق با مفاهیم ارائه شده توسط ممیز مقایسه شده است. در نهایت با توجه به تعداد مفاهیم ایجاد شده مشابه و مفاهیم ایجاد شده متفاوت، شاخص کاپا محاسبه شده است. همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌گردد، پژوهشگر ۱۶ مفهوم و ناظر ۱۴ مفهوم ایجاد کرده‌اند که از این تعداد ۱۳ مفهوم مشترک هستند.

جدول ۱- تحلیل پایایی فرایند تبدیل کدها به مفاهیم

محقق ناظر	بله	خیر	مجموع
بله	۱۳	۱	۱۴
خیر	۳	۰	۳
مجموع	۱۶	۱	۱۷

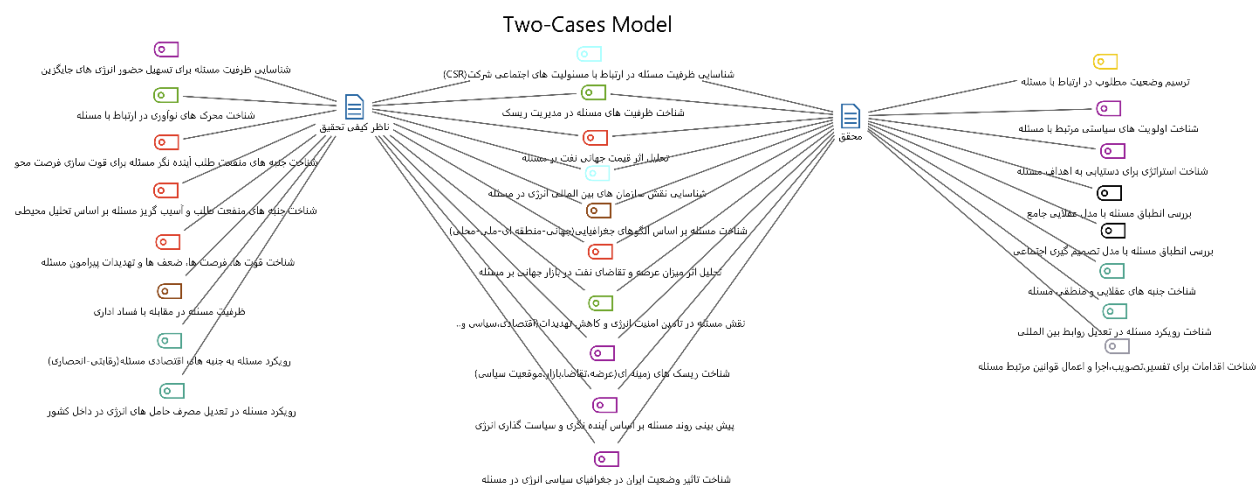
$$\text{توافقات مشاهده شده} = \frac{A + D}{N} = \frac{۱۳}{۱۷} = ۰.۷۶۴$$

$$\text{توافقات شانسی} = \frac{A + B}{N} \times \frac{A + C}{N} \times \frac{C + D}{N} \times \frac{B + D}{N} = \frac{۱۴}{۱۷} \times \frac{۱۶}{۱۷} \times \frac{۳}{۱۷} \times \frac{۱}{۱۷} = ۰.۰۰۸$$

$$K = \frac{\text{توافقات شانسی} - \text{توافقات مشاهده شده}}{\text{توافقات شانسی} - ۱} = \frac{۰.۷۶۴ - ۰.۰۰۸}{۱ - ۰.۰۰۸} = ۰.۷۶۲$$

همانطور که ملاحظه می شود مقدار محاسبه شده برای شاخص کاپا برابر با ۰.۷۶۲ بوده که در سطح توافق معتبر قرار می گیرد. به دلیل تعداد زیاد مفاهیم استخراج شده از تحلیل محتوای متون، به عنوان نمونه‌ای از جزئیات شاخص‌های پایایی، ارزیابی دو سند که بیشترین ارجاع در فرایند تحلیل محتوا را داشته اند، از طریق فراترکیب نظرات محقق و ناظر کیفی پژوهش در شکل ۱ نشان داده شده است.

در شکل ۲ ضریب کاپای این مدل برای فراترکیب تحلیل‌ها در قالب مدل توافق درونی کدهای استخراج شده عدد ۰.۸۵ نشان می دهد که گویای پذیرش پایایی این کدها بوده و با تعمیم به سایر کدهای استخراج شده ضریب پیرسون در شکل ۳ حاصل می شود که مؤید وجود همبستگی قوی و معناداری بین یافته های پژوهشگر و ناظر و در نتیجه پایایی نتایج پژوهش می باشد.



شکل ۱- فراترکیب تحلیل‌های محقق و ناظر کیفی در Two-Cases Model

		Coder 1		
		1	0	
Coder 2	1	a = 578	b = 60	638
	0	c = 43	0	43
		621	60	681

$P(\text{observed}) = P_o = a / (a + b + c) = 0.85$
 $P(\text{chance}) = P_c = 1 / \text{Number of codes} = 1 / 136 = 0.01$
 $\text{Kappa} = (P_o - P_c) / (1 - P_c) = 0.85$

If there is an unequal number of codes per segment or if only one code is to be evaluated:

$P(\text{chance}) = P_c = \text{Number of codes} / (\text{Number of codes} + 1)^2 = 0.01$
 $\text{Kappa} = (P_o - P_c) / (1 - P_c) = 0.85$

شکل ۲- ضریب کاپا برای فرا ترکیب

Correlation Pearson's rho		
p-value: 1-tailed		
مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران	Coded Segments	
مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران	0.553 (p=0.0114) N=252	
Coded Segments	0.553 (p=0.0114) N=252	

شکل ۳- ضریب پیرسون در فرا ترکیب تحلیل‌های محقق و ناظر

۴- یافته‌های پژوهش

در این پژوهش از طریق روش تحقیق کیفی اطلاعات مورد نیاز گردآوری و توصیف شده تا جنبه‌های مختلف پدیده مسئله شناسی روشن شود. این شناخت اولیه امکان صورت بندی فرضیه‌هایی درباره بروز پدیده مورد مطالعه را فراهم می‌کند. برای تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده، جهت تدوین نظریه، سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی انجام و به عرضه پارادایمی منطقی یا تصویری از یک نظریه در حال تکوین منجر شده است (بازرگان، ۱۳۸۷).

۴-۱- کدگذاری باز

در کدگذاری باز، کوچکترین واحدهای مفهومی در داده‌های کیفی گردآوری شده از طریق تحلیل محتوای گردآوری شده، بر اساس سطوح عوامل علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر، استراتژی‌ها و پیامدها با رویکرد اکتشافی استخراج شده‌اند. این پژوهش با تحلیل نظام مند محتوای اسناد مربوط به سیاست‌های حوزه انرژی و نفت و گاز که در جدول ۲ آماره‌های میزان ارجاعات به آن‌ها ذکر شده است، ۱۶ معیار اصلی که در گزارشات مختلف به صورت متواتر مورد توجه تحلیل‌گران بوده است شناسایی نموده و در جدول ۳ به دلیل کثرت موارد به ذکر چند نمونه اکتفا شده است.

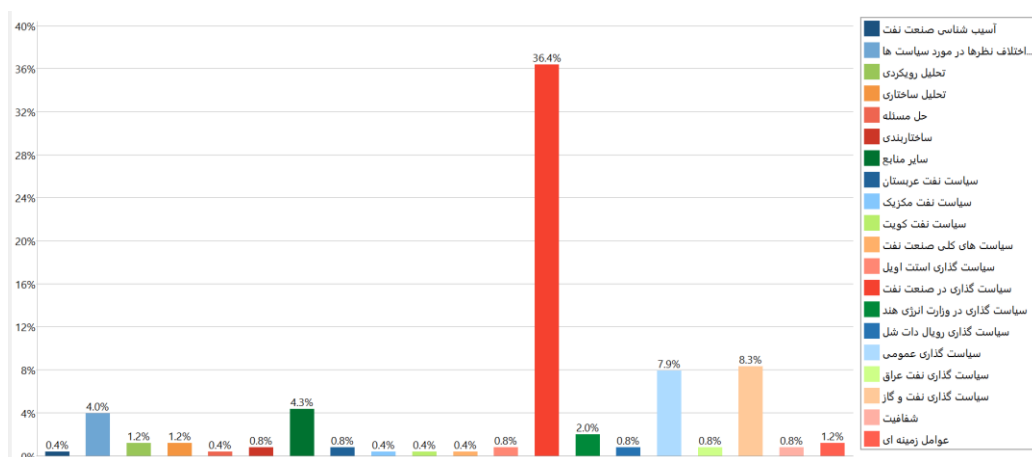
جدول ۲- تعداد متون و درصد رجوع به آنها

مقولات محوری	تعداد متون	درصد کاربرد متون	درصد کاربرد متون دسته اول
ابعاد درون سازمانی مسئله	(دسته اول ۶۸) ۱۰۹	۴۳.۲۵	۴۰.۲۳
ابعاد ماهیتی مسئله	(دسته اول ۴۷) ۷۰	۲۷.۷۷	۲۷.۸۱
ابعاد برون سازمانی مسئله	(دسته اول ۵۵) ۷۳	۲۸.۹۶	۳۵.۵۴
اسناد دسته اول	۱۶۹	۶۷.۰۶	۱۰۰.۰۰
اسناد غیر دسته اول	۸۳	۳۲.۹۳	-
کل اسناد	۲۵۲	۱۰۰.۰۰	-

جدول ۳- نمونه‌هایی از کدهای باز

کد محوری	کد باز	منابع تحلیل محتوا
مشارکت ذینفعان	تحلیل ذینفعان مسئله و اطلاعات مربوط به آنها با هدف همراه نمودن آنها با سیاست‌ها، تحلیل نحوه مواجهه و درک بازیگران مختلف با مسئله، رضایت ذینفعان به عنوان شاخص عملکرد سازمان.	<i>PEPD(2020)</i> ، <i>CDC(2020)</i> ، مک فالن و پرست (۲۰۱۱)، فریمن (۱۹۸۴)
نگاشت نهادی	چه کسی و چگونه باید به مسئله رسیدگی نماید، درک توزیع قدرت موجود که ممکن است توسط یک ذینفع به کار گرفته شود تا بر نتیجه فرایند تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد، شناسایی بازیگران، ارتباطات آنها، تاریخچه آنها و منافع آنها و بازسازی ساختارهای قدرت و عناصر در ساختار قدرت در اولویت است.	<i>PEPD(2020)</i> ، ورویج و همکاران (۲۰۱۶)، فاریس (۱۹۶۷)، پولمر (۱۹۸۴)، آلیجیکا (۲۰۰۶)، مک فادین، پرست و گرین (۲۰۱۰)
نگاشت دینفعان	تحلیل مشخصات، نقش و شدت و شیوه تأثیر گذاری کسانی که تحت تأثیر مسئله قرار می‌گیرند یا بر آن تأثیر می‌گذارند.	<i>CDC(2020)</i>
...		

به دلیل تنوع موضوعات، تعداد ۲۵۲ سند مورد تحلیل در این پژوهش در قالب ۲۰ موضوع گروه‌بندی شدند که بر اساس نمودار ۱ بیشترین ارجاع در گروه اسناد "سیاست گذاری در صنعت نفت" با تعداد ۹۲ سند و ۱۷۳۱ کد باز بوده است.



نمودار ۱- درصد رجوع به گروه‌های اسناد

با توجه به لزوم تحلیل نظام مند تعداد ۳۲۴۳ کد باز احصاء شده از ۲۵۲ فقره سند از شیوه شناسه گذاری یکتای کدهای باز استفاده گردید که نمونه‌ی آن در جدول ۴ آمده است. این شناسه گذاری موجب تسهیل فرایند احصای ۲۹۱ مفهوم در مرحله بعدی پژوهش گردید.

۲-۴- کد گذاری محوری

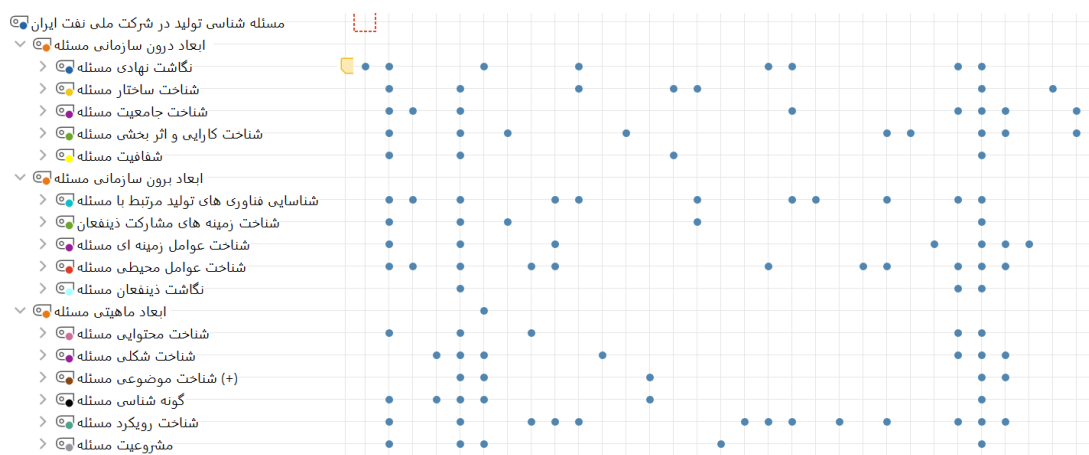
در کدگذاری محوری، مقوله‌های جدا از هم در چهارچوبی معنادار در کنار یکدیگر قرار میگیرند و روابط میان آنها، به ویژه رابطه مقوله محوری با سایر مقوله‌ها مشخص می‌شود. در این پژوهش برای کدگذاری محوری از پارادایم استرواس و کورین استفاده شد. کدگذاری محوری، منجر به ایجاد گروه‌ها و مقوله‌ها می‌شود. تمامی کدهای مشابه در گروه خاص خود قرار می‌گیرند. در این راستا، تمامی کدهای ایجاد شده دوباره بازبینی شده و با متون مقایسه می‌شود تا مفهومی از نظر دور نماند. به دلیل تفصیل کدگذاری محوری، در جدول ۵ نمونه‌هایی از فرایند کدگذاری محوری آمده است.

جدول ۴- نمونه ای از تخصیص شناسه به کد گذاری‌های باز

ردیف	مفاهیم	شناسه سند	شناسه کد باز
۱	احصاء متغیرهای برون‌زا	G۰۱D۰۱	G۰۱D۰۱/C-۰۷
		G۱۰D۴۱	G۱۰D۴۱/C-۰۷
		G۱۰D۳۵	G۱۰D۳۵/C-۱۹
۲	شناخت قواعد مورد استفاده	G۱۵D۰۱	G۱۵D۰۱/C-۱۵
			G۱۵D۰۱/C-۱۶
			G۰۴D۰۲/C-۲۴
۳	شناخت ویژگی‌های فرهنگی و هنجارهای انسانی	G۰۴D۰۲	G۰۴D۰۲/C-۱۷۰
			G۰۴D۱۰/C-۲۵
.....			

جدول ۵ - نمونه مفاهیم استخراج شده از کدهای باز

مقوله اصلی	مقوله فرعی	کدهای باز	ضریب تکرار در اسناد
ابعاد درون سازمانی مسئله	نگاشت مسئله	شناخت مکانیزم‌های پیوندیابی مسئله با بخش‌های مختلف	۱۵
		شناخت جنبه‌های تاثیر گذار/پذیر مسئله بر/از منابع انسانی	۱۹
		شناخت ضعف‌های نهادی مرتبط با مسئله	۲۲
		تبیین چارچوب نهادی مسئله	۱۷
		شناخت ارتباط نهادمتولی مسئله با کارکرد، زنجیره ارزش و سایر نهادها	۲۱
		شناخت رابطه نهادی مسئله با دولت	۱۰
		شناخت مسائل سیاستی تولید نفت و گاز در بستر نهادی ملی مشترک	۲۰
		تبیین حقوق دسترسی و بهره‌مندی بازیگران مسئله	۱۳
			
		تبیین نقشه نگاشت شناختی (علی، مفهومی و معنایی) مسئله	۱۶
		شناسایی شبکه دانشی (رسمی/غیر رسمی) مرتبط با مسئله	۳۰
	شناخت مسئله	شناسایی ساختار مناسب برای تامین، بروزرسانی و دستیابی به دانش فنی	۱۵
		شناخت ساختار تامین مالی مسئله	۳۲
		شناخت مسئولیت‌های مرتبط با مسئله	۱۰
		شناخت تغییرات ساختاری که در ارتباط با مسئله رخ خواهد داد	۱۲
		فرایندهای سازمانی، ساختارهای تشکیلاتی و حدود اختیارات مرتبط	۱۷
		شناسایی ساختار تحلیل ریسک مسئله	۱۹
		شناسایی ساختار نظام مدیریت مسئله در شرکت	۲۶
			
		ارائه ارزیابی درست از وضعیت حاکم بر شرکت در بیان مسئله	۴۴
		پیش‌بینی روند مسئله بر اساس آینده‌نگری و سیاست‌گذاری انرژی	۶۵
شناخت مسئله	جامعیت مسئله	تطابق مسئله با ظرفیت‌های بازار در زمینه تنوع در عرضه انواع انرژی	۳۶
		شناخت ظرفیت‌های مسئله در بهره‌برداری مسئولانه از منابع	۱۲
		شناخت تعداد، توازن و عدم تجانس اقلام مورد نیاز مسئله	۱۲
		شناخت جنبه‌های مرتبط مسئله با بازارهای انرژی داخلی و خارجی	۱۷
		شناخت ریسک‌های مرتبط با رویکرد دانش‌محور به مسئله	۱۱
		هم‌راستایی مسئله با افزایش توان تولید کنندگان داخلی و بومی سازی	۴۸
			
			
			
			

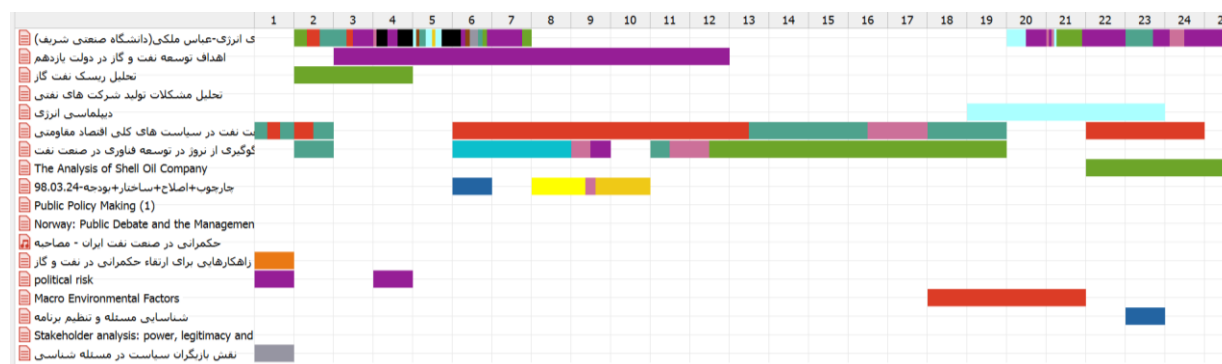


شکل ۴- توزیع فراوانی کدهای باز در کدهای محوری

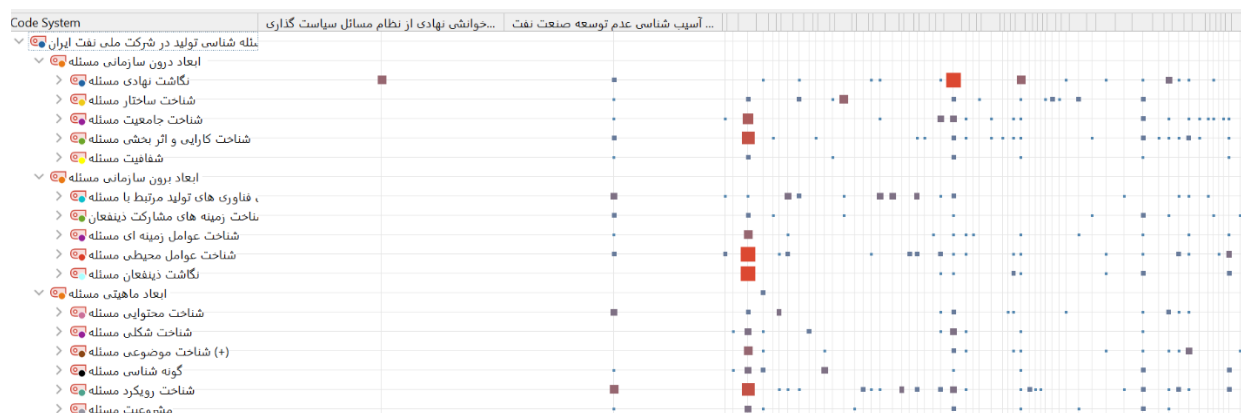
در نهایت گروه‌بندی کدهای اولیه در قالب ۳ مقوله اصلی و ۱۶ مقوله فرعی بر اساس تجزیه و تحلیل نمودار و ضرایب همبستگی کدهای باز و محوری (نمودار ۲)، توزیع فراوانی کدهای باز در کدهای محوری (شکل ۴)، توزیع ارجاع به متون در استخراج کدهای باز (شکل ۵)، ماتریس فراوانی کدهای باز و کدهای محوری (شکل ۶)، انجام شده است.

در شکل ۵ میزان ارجاع به هر سند در فرایند استخراج کدهای باز به تفکیک اسناد و کدها آمده است که به دلیل کثرت اسناد و کدها بخشی از آن نمایش داده شده است.

برای تصمیم‌گیری در خصوص دسته‌بندی کدهای باز و ساخت کدهای محوری از ابزار ماتریس فراوانی کدهای باز و کدهای محوری در منابع استفاده شده که در شکل ۶ نمایش داده شده است.

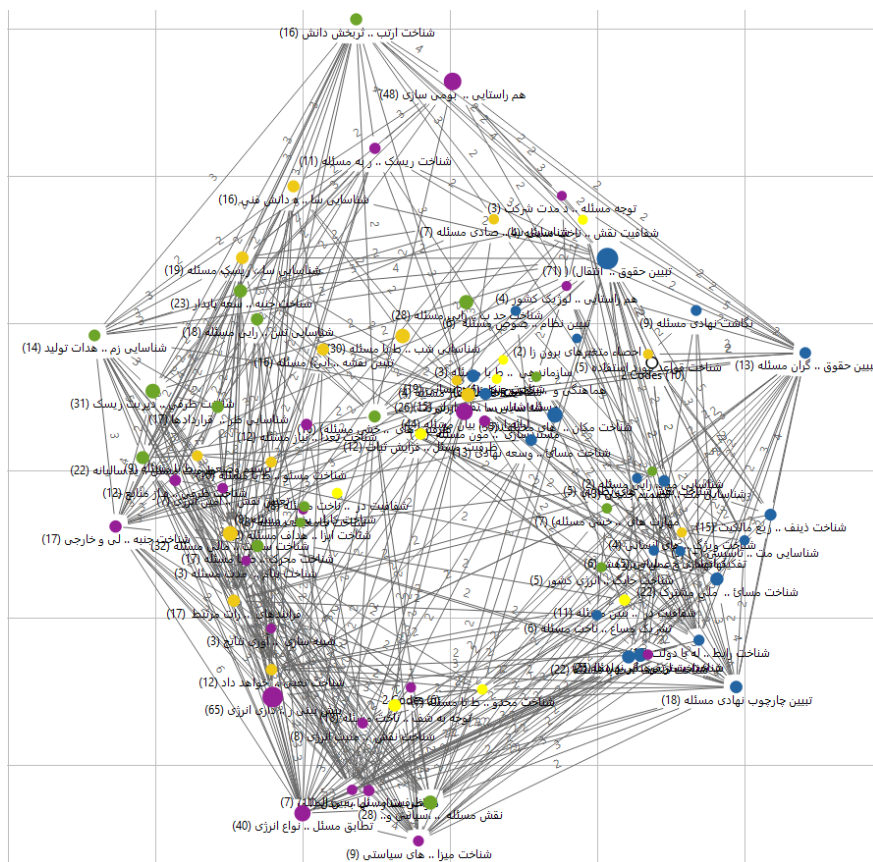


شکل ۵ توزیع ارجاع به متون در استخراج کدهای باز



شکل ۶- ماتریس فراوانی کدهای باز و کدهای محوری

بر اساس ضرائب همبستگی کدهای باز و محوری که در نمودار ۲ شمایی کلی از آن نمایش داده است ارتباطات متقابل مقولات اصلی و فرعی شناسایی و در نهایت به عنوان مولفه های مسئله شناسی در شرکت ملی نفت ایران بیان شده است.



نمودار ۲- نمودار همبستگی مقولات اصلی و فرعی



با توجه به تجزیه و تحلیل صورت گرفته این نتیجه گیری حاصل شد که در مرحله شناخت مسائل در فرایند سیاست گذاری‌های تولید شرکت ملی نفت ایران باید ابعاد تاثیر پذیر و تاثیر گذار مسئله در حوزه‌های درون و برون سازمانی را مورد توجه و تدقیق قرار داده و علاوه بر آن به ابعاد مرتبط با ماهیت مسئله نیز بطور دقیق پرداخته شود. این فرایند تحلیلی گسترده در نهایت الگوی پارادایمی مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران بر اساس مولفه‌های احصاء شده را در نمودار ۳ و بر اساس عوامل علی، عوامل مداخله گر، عوامل زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها نمایش داده است.

۵- بحث و نتیجه گیری

بر اساس بررسی انجام شده در مقدمه این پژوهش، تحقیقات بسیار معدودی به مقوله مسئله شناسی به عنوان یک مرحله مستقل از فرایند مسئله شناسی پرداخته‌اند. شاید دلیل آن گستره‌ی زیاد عوامل تاثیر گذار و مؤلفه‌های شناخت مسائل سیاستی در حوزه‌های مختلف سیاست گذاری و عدم سنخیت موضوعی آنها با یکدیگر باشد. همین مسئله باعث عدم وجود مدل‌های علمی همه شمول در مقوله‌ی شناخت مسائل سیاستی گردیده است.

در این پژوهش تلاش گردیده است به روش استقرایی و با رویکرد تحدیدی به سوالاتی در زمینه‌ی مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران پاسخ داده شود، بر همین اساس **عوامل علی** تاثیر گذار بر شناخت مسائل سیاست گذاری تولید در شرکت ملی نفت ایران به عوامل درون سازمانی مسئله و در قالب دو مفهوم نگاشت نهادی مسئله و شناخت جامعیت مسئله ارتباط داده شده است که در تائید این یافته می‌توان به یافته‌های تحقیقات ورویج^۵ و همکاران (۲۰۱۶)، فاریس^۶ (۱۹۶۷)، بولمر^۷ (۱۹۸۴)، آلیجیکا^۸ (۲۰۰۶)، مک فادین، پریست و گرین^۹ (۲۰۱۰)، گیبونز^{۱۰} و همکاران (۱۹۹۴) و استرک^{۱۱} و همکاران (۲۰۰۹) اشاره نمود که درباره اهمیت اینکه چه کسی و چگونه باید به مسئله رسیدگی نماید، درک توزیع قدرت موجود که ممکن است توسط یک ذینفع به کار گرفته شود تا بر نتیجه فرایند تصمیم گیری تأثیر بگذارد، شناسایی بازیگران، ارتباطات آنها، تاریخچه آنها و منافع آنها و بازسازی ساختارها و عناصر در ساختار قدرت، توجه به ابعاد و شدت مسئله، شناسایی خلاءها و تنگناها، اهداف سیاست، مشکلات سیاست، گزینه‌های پیش رو، تحلیل اثر مسئله و مقایسه گزینه‌ها و آثار سیاست‌ها، جمع آوری شواهد و دانش موجود و طراحی گزینه‌های متفاوت سیاستی بحث نموده‌اند. لذا، پیشنهاد می‌شود در مسئله شناسی سیاستی در شرکت ملی نفت ایران، مفاهیم مرتبط با نگاشت نهادی و درک جامعیت مسئله مورد تدقیق قرار گیرد.

^۵ Verweij

^۶ Faris

^۷ Bulmer

^۸ Aligica

^۹ McFadden, Priest and Green

^{۱۰} Gibbons

^{۱۱} Sterck

۱-۵- عوامل زمینه‌ای

عوامل زمینه‌ای تاثیرگذار بر مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران در قالب عوامل ماهیتی مسئله و شامل چهار مفهوم شناخت محتوایی مسئله، شناخت شکلی مسئله، شناخت موضوعی مسئله و گونه شناسی مسئله دسته‌بندی شده‌اند که با تحقیقات خواستار (۱۳۸۷)، هورنبک و پیترز^{۱۲} (۲۰۱۷)، براون^{۱۳} و همکاران (۲۰۱۸)، ورویچ و همکاران (۲۰۱۶)، پیترز و هورنبک (۲۰۰۵) و مسیا و والاس^{۱۴} (۱۹۹۶) که در آن‌ها تجزیه و تحلیل محتوایی مستندات، ساختاربندی مسئله برای کمک به افراد و گروه‌ها در بازنمایی و برقراری ارتباط از دیدگاه‌های خود با مسئله و بازنمایی ذهنی آن‌ها از مسئله. چگونگی قالب بندی مسئله، تحلیل گستره‌ی مسئله و نحوه تعریف مشکل، توجه به ابعاد و شدت مسئله، اهمیت درک مسائل سیاستی از طریق این خصوصیات که می‌تواند کیفیت طرح‌های سیاستی را ارتقا داده و انتخاب ابزار را تسهیل نماید، اهمیت توجه به ماهیت مسائل که می‌تواند بر انتخاب ابزارها و فرآیند سیاست گذاری با تاکید بر ویژگی‌هایی مانند قابلیت حل شدن، پیچیدگی، گستره اثر، قابلیت تفکیک پذیری، امکانات بودجه‌ای، وسعت (فعالیت‌های مرتبط) و وابستگی متقابل تأثیر گذارد، چستی مسئله و انتخاب مناسب یک یا ترکیبی از چند ابزار که با فعالیت مورد نظر بیشترین تناسب را دارند و توجه به اهمیت اینکه در این انتخاب سیاست گذار باید محدودیت‌ها و قابلیت‌های هر مقوله از ابزارها و همچنین پیامدهای ناشی از به کار گیری آن‌ها را مدنظر قرار دهد. توجه به این مهم که ابزارهای مختلف، درجات مختلفی از اثربخشی، کارایی، برابری، مشروعیت و حمایت سیاسی دارند که مناسب بودن آن‌ها موقعیت‌های خاص مسئله را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اهمیت درک ویژگی‌های اصلی مشکلات که به روشنی با گزینه‌های طراحی سیاست و انتخاب ابزارهای سیاست مرتبط است، پیش بینی زمان و مکان بروز مسئله و تنظیم مسئله به گونه‌ای که به روشن شدن راه حل‌های احتمالی کمک کند. لذا پیشنهاد می‌گردد شناخت محتوایی مسئله، شناخت شکلی مسئله، شناخت موضوعی مسئله و گونه شناسی مسئله به عنوان عوامل زمینه ساز بروز، گسترش و حل مسئله در شناخت مسائل سیاستی تولید در شرکت ملی نفت ایران مورد توجه قرار گیرد.

۲-۵- عوامل مداخله‌گر (محیطی)

عوامل مداخله‌گر تاثیرگذار بر مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران در دسته‌ی عوامل برون سازمانی و در قالب چهار مفهوم شناخت زمینه‌های مشارکت ذینفعان، شناخت عوامل زمینه‌ای مسئله، شناخت عوامل محیطی مسئله، نگاشت ذینفعان مسئله دسته‌بندی شده‌اند. این یافته‌ها با یافته‌های مک فالن و پرست^{۱۵} (۲۰۱۱)، فریمن^{۱۶} (۱۹۸۴)، لندرو و همکاران (۲۰۲۰) و بارکاوسکاسا و جاسینکاسک^{۱۷} (۲۰۱۵) که در آن‌ها تحلیل ذینفعان مسئله و اطلاعات مربوط به آنها با هدف همراه نمودن

^{۱۲} Hoornbeek and Peters

^{۱۳} Browne

^{۱۴} Massey and Wallace

^{۱۵} McFadden and Priest

^{۱۶} Freeman

^{۱۷} Barkauskasa and Jasinskasc

آنها با سیاست‌ها، تحلیل نحوه مواجهه و درک بازیگران مختلف با مسئله، در نظر گرفتن رضایت ذینفعان به عنوان شاخص عملکرد سازمان، تحلیل مشخصات، نقش و شدت و شیوه تاثیر گذاری کسانی که تحت تاثیر مسئله قرار می‌گیرند یا بر آن تاثیر می‌گذارند، تحلیل و بررسی علل وقوع و عوامل زمینه ساز تشدید مسئله، نقاط قوت، ضعف و محدودیت‌ها، شناسایی عوامل محیط داخلی و خارجی مؤثر بر مسئله شامل عوامل اجتماعی، فنی، قانونی، پیرامونی، سیاسی، ارزشی و اقتصادی و پیش بینی اثرات مطلوب و نامطلوب آن‌ها بر سیاست‌ها، اسکن محیط تاثیر گذار و تاثیر پذیر از مسئله از طریق نظر سنجی و پرسش نامه‌ها به عنوان عوامل مداخله‌گر در شناخت مسائل سیاستی محسوب شده‌اند. لذا پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران تولید در شرکت ملی نفت ایران عوامل مداخله‌گر را در قالب چهار مفهوم شناخت زمینه‌های مشارکت ذینفعان، شناخت عوامل زمینه‌ای مسئله، شناخت عوامل محیطی مسئله، نگاشت ذینفعان مسئله در مرحله شناخت مسائل سیاستی مورد توجه قرار دهند.

راهبردهای مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران، در قالب دو مفهوم شناخت ساختار مسئله و شناسایی فناوری‌های تولید مرتبط با مسئله شناسایی دسته بندی شده‌اند که با نتایج تحقیقات اسکات^{۱۸} (۱۹۹۱)، و سمرن و فاوست^{۱۹} (۱۹۹۴)، پارسونز^{۲۰} (۱۹۹۵)، سلمن^{۲۱} (۲۰۰۰)، (پورکیانی و همکاران، ۱۳۹۳) و رحمان خان و خان داکار^{۲۲} (۲۰۰۱) که در آن‌ها مسئله شناسی مبتنی بر تجزیه و تحلیل ساختارها و شبکه‌ها برای کشف ماهیت، جنبه‌ها و پیچیدگی‌های مسائل سیاستی از طریق درک الگوهای ساختاری موجود در بین ذینفعان، بررسی روابط بین آنها، نحوه موقعیت‌یابی آنها و چگونگی ساختار روابط در الگوی کلی شبکه، بررسی ویژگی‌های شبکه‌ها اغلب از نظر تراکم شبکه (تعداد و شدت اتصالات)، انسجام شبکه (تعداد اجزای شبکه جداگانه)؛ تمرکز شبکه (نزدیکی روابط بین بازیگران اصلی)؛ و اتصال (به شبکه‌های دیگر)، تعیین اینکه شرکت کنندگان (بازیگران سیاست) چه کسانی هستند؟ منابع و راهبردهای آنها چیست؟ خودی (اصلی) و خارجی (پیرامونی) چه کسانی هستند؟ چه ائتلاف‌ها و اتحادیهایی آشکار است؟ کدامیک بیشتر موثر هستند؟ عقلانیت و فناوری‌های مرتبط با شناخت مسئله چگونه ساخته شده و مورد استفاده قرار می‌گیرد؟ با توجه به اینکه تجهیزات کافی و فناوری مناسب باعث افزایش اثر بخشی عملکرد خواهد شد وجود فناوری مناسب و سازگار با سیاست کدامند؟ مورد توجه قرار گرفته است سازگار می‌باشد. لذا به سیاست‌گذاران تولید در شرکت ملی نفت ایران پیشنهاد می‌گردد شناخت ساختار مسئله و شناسایی فناوری‌های تولید مرتبط با مسئله را به عنوان راهبردهای مسئله شناسی سیاستی در نظر داشته باشند.

^{۱۸} Scott^{۱۹} Wasserman and Faust^{۲۰} Parsons^{۲۱} Selman^{۲۲} Rahmankhan and khandakar

۳-۵- پیامدها

پیامدهای مسئله شناسی تولید در شرکت ملی نفت ایران در قالب چهار مفهوم شناخت کارایی و اثر بخشی مسئله، شفافیت، مشروعیت و رویکرد مسئله شناسایی شده‌اند. که با نتایج تحقیقات لوت^{۲۳} (۲۰۱۶)، لابوتکوف و وایمتال^{۲۴} (۲۰۱۷)، متی^{۲۵} (۲۰۱۱)، (وروچ و همکاران، ۲۰۱۶) و (جیاچینو و کاکاباتسه^{۲۶}، ۲۰۰۳) که در آن‌ها نحوه مداخله در مسئله برای حصول بهترین نتایج، ارائه بیان دقیقی از مسئله، شفافیت و ارائه تصویری مبتنی بر واقعیات قابل سنجش از مسئله، نوع نگرش نهادهای قانون گذار و احزاب و گروه‌های ذی نفوذ به مسئله، امکان بررسی مشروعیت سیاست بر اساس نوع تعریف مسئله، تعیین روش اندازه‌گیری و ارزیابی مشروعیت سیاست با استفاده تعریف مسئله، نحوه مداخله در مسئله برای حصول بهترین نتایج، شفافیت مجریان درباره نوآوری و دانش مورد نیاز، طرح ریزی برای کسب مشروعیت، تعیین رویکرد برای ایجاد نقطه تعادل سیاستی از طریق ایجاد پایداری در مقابل شوک‌های خارجی، سازگار بودن مسئله با سیاست‌های جاری مورد توجه قرار گرفته است. لذا پیشنهاد می‌گردد سیاست‌گذاران تولید در شرکت ملی نفت ایران به پیامدهای مسئله شناسی تولید در قالب چهار مفهوم شناخت کارایی و اثر بخشی مسئله، شفافیت، مشروعیت و رویکرد مسئله توجه داشته باشند.

۴-۵- پیشنهادات

باید توجه داشت که به دلیل گستردگی ذاتی موضوع مسئله شناسی سیاستی و محدودیت‌های ورود به مقولات سیاستی در صنعت نفت ایران و محرمانگی بسیاری از حوزه‌ها و شرایط تحریمی و همچنین وجود محدودیت زمانی در این پژوهش، به بررسی و مطالعه‌ی محورهای کلی مسئله شناسی تولید پرداخته شده است. لذا برای تحقیقات آتی، طراحی مدل جامع عملیاتی مسئله شناسی با هدف اصلاح الگوهای رایج سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری عمومی که مسئله شناسی را به عنوان یکی از زیر فرایندهای جزئی در فرایند تدوین سیاست و خط‌مشی در نظر می‌گیرند، ایجاد ساختارهای سازمانی برای شناخت و تحلیل مسائل سیاستی، ایجاد ساختارهای سازمانی برای تحلیل بازخورد به ویژه در حوزه‌های تجاری جهت پایش مستمر تغییرات ماهیتی پیشنهاد می‌گردد.

منابع

بازرگان، ع. (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق آمیخته: رویکردی برتر برای کند و کاو در مسایل نظام آموزشی و حل آن‌ها. روانشناسی و علوم تربیتی. ش ۸۶ ص ۱۲۰-۱۰۱

تاجداری، پرویز. (۱۳۹۱). روشهای علمی تحقیق همراه با نظریه ارزشیابی. چاپ چهارم. تهران: انتشارات اتا.

^{۲۳} Lauth

^{۲۴} Laboutkov and Vymetal

^{۲۵} Matti

^{۲۶} Giacchino and Kakabadse

حسینی، سید جعفر. مهدوی عادل، محمد حسین. رزمی، محمد جواد. (۱۳۹۳). خوانشی نهادی از نظام مسائل سیاست‌گذاری در حقوق مالکیت؛ مطالعه موردی صنعت نفت ایران. پژوهشنامه حقوق اسلامی، سال پانزدهم، شماره دوم، صص ۵۰-۷.

خواستار، حمزه. (۱۳۸۷). بررسی عوامل مؤثر بر خودکارآمدی در زمینه علم و فن آوری برای تحقق اهداف چشم انداز، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

شادی وند، قادر. (۱۳۹۴). رابطه دولت و نفت - پیشنهاد الگوی مطلوب. سیاست نامه علم و فناوری. ۵(۴). ۳۸-۱۷.

عسگری، محمود. (۱۳۸۷). نقد واسازانه سیاست جغرافیایی و ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۱۰.

غلامپور آهنگر، ابراهیم. (۱۳۹۶). مسئله شناسی در حوزه فرهنگ. دفتر راهبردی معاونت توسعه مدیریت و منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. موسسه فرهنگی هنری پویه مهر اشراق. تهران. ۲۹.

کریمی، محمدصادق. (۱۳۹۵). آسیب شناسی و ارائه راهکارهای توسعه صنعت بالادستی نفت در ایران. مطالعات راهبردی سیاست گذاری عمومی (مطالعات راهبردی جهانی شدن)، ۶(۲۱). ۲۳۹-۲۲۹.

معظمی، منصور. سرعتی آشتیانی، نرجس. (۱۳۹۱). راهبردهای مقابله با اثرات تحریم بر صنعت نفت ایران با تأکید بر توسعه همکاری های دانشگاه و صنعت. نوآوری و ارزش آفرینی. شماره ۱. صص ۳۴-۲۵.

Aligica, P.D. (۲۰۰۶). Institutional and Stakeholder Mapping: Frameworks for Policy Analysis and Institutional Change. Public Organiz Rev ۶, ۷۹-۹۰. <https://doi.org/10.1007/s11115-006-6833-0>

Barkauskas, V. Barkauskienė, K. Jasinskas E. (۲۰۱۵). Analysis of Macro Environmental Factors Influencing the Development of Rural Tourism: Lithuanian Case, Procedia - Social and Behavioral Sciences, Volume ۲۱۳, P. ۱۶۷-۱۷۲, <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2015.11.421>.

Beattie, G. (۲۰۲۰). Advertising and media capture: The case of climate change. Journal of Public Economics. Vol. ۱۸۸.

Browne, J. Coffey, B. Cook, K. Meiklejohn, S., Palermo, C. (۲۰۱۹). A guide to policy analysis as a research method. Health Promot Int. ۱۳۴(۵):۱۰۳۲-۱۰۴۴. doi: ۱۰.۱۰۹۳/heapro/day۰۵۲.

Bulmer, M., Coates, E., & Dominian, L. (۲۰۰۷). "Five: Evidence-based policy making". In Making policy in theory and practice. Bristol, UK: Policy Press.

Clarence, E. (۲۰۰۲). Technocracy Reinvented: The New Evidence Based Policy Movement. Public Policy and Administration, ۱۷(۳), ۱-۱۱.

ELO, S, & Kyngas. H. (۲۰۰۷). The qualitative content analysis process. Wiley Online Library. V. ۶۲, P. ۱۰۷-۱۱۵

Faris, C. W., Robinson, P. J., Wind, Y. (۱۹۶۷). Industrial Buying and Creative Marketing. Allyn & Bacon .

Freeman, R. E. (۱۹۸۴). Strategic management: a stakeholder approach. Pitman, Boston.

Giacchino, S., & Kakabadse, A. (۲۰۰۳). Successful Policy Implementation: The Route to Building Self-Confident Government. International Review of Administrative Sciences, ۶۹

Gibbons, M., Limoges, C., Nowotny, H., Schwartzman, S., & Scott, T. ua (۱۹۹۴): The New Production of Knowledge: The Dynamics of Science and Research in Contemporary Societies.

Gray, Earle. (۲۰۰۸). Ontario's Petroleum Legacy: The Birth, Evolution and Challenges of a Global Industry Edmonton. Heritage Community Foundation.

Hoornbeek, J. A. Peters, B. G. (۲۰۱۷). Understanding policy problems: a refinement of past work, *Policy and Society*, ۳۶:۳, ۳۶۵-۳۸۴, DOI: ۱۰.۱۰۸۰/۱۴۴۹۴۰۳۵.۲۰۱۷.۱۳۶۱۶۳۱

JEWELL, C.J., & BERO, L.A. (۲۰۰۸), "Developing Good Taste in Evidence": Facilitators of and Hindrances to Evidence-Informed Health Policymaking in State Government. *The Milbank Quarterly*, ۸۶: ۱۷۷-۲۰۸.

Labouťková, Š., Vymětal, P. (۲۰۱۷). Transparency in economic and political decision-making: the identification of sunshine rules for transparent lobbying, *DANUBE: Law and Economics Review*, ۸(۳), ۱۵۷-۱۷۱, DOI: ۱۰.۱۵۱۵/danb-۲۰۱۷-۰۰۱۱

Lauth, H. J. (۲۰۱۶). The internal relationships of the dimensions of democracy: The relevance of trade-offs for measuring the quality of democracy. *International Political Science Review*, ۳۷(۵), ۶۰۶-۶۱۷.

Lenkova, O.V. (۲۰۱۷). Risk management of oil and gas company in terms of strategic transformations. *Revistaespacios*. Vol. ۱۸, P. ۳۰.

M. C. Willemsen, (۲۰۱۸). Tobacco Control Policy in the Netherlands, *Palgrave Studies in Public Health Policy Research*, https://doi.org/10.1007/978-3-319-72368-6_10.

Massey, A., Wallace, W. (۱۹۹۶). Understanding and facilitating group problem structuring and formulation: mental representations, interaction, and representation aids.

Matti, S., Sandström, A. (۲۰۱۱). The Rationale Determining Advocacy Coalitions: Examining Coordination Networks and Corresponding Beliefs. <https://onlinelibrary.wiley.com>. ۳۹(۳), ۳۸۵-۴۱۰.

McFadden, L. and Priest, S. (۲۰۱۱) Guidance for identifying the Policy Issue, *Spicosa Project Report*, London, Flood Hazard Research Centre, Middlesex University.

McFadden, L. Priest, S. J. Green, C. (۲۰۱۱). Introducing Institutional Mapping: A Guide for SPICOSA Scientists. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:۵۱۴۶۸۸۶>

Parsons, W. (۱۹۹۵). *Public Policy: An Introduction to the Theory and Practice of Policy Analysis*. Edward Elgar Publishing Ltd. <https://www.e-elgar.com/shop/gbp/public-policy-9781802780043.html>

Peters, B. G., & Hoornbeek, J. A. (۲۰۰۵). The problem of policy problems. McGill-Queens University Press.

Sanderson, I. (۲۰۰۲). Evaluation, policy learning and evidence-based policy making. *Public Administration*, ۸۰(۱), ۲۱۲

Scott, J. (۱۹۹۱) *Social Network Analysis: A Handbook*. *Contemporary Sociology*, ۲۲, ۱۲۸. <https://doi.org/10.2307/2070047>

Selman, P. (۲۰۰۰). *Environmental Planning*, Second Edition, London, UK: Sage Publications Ltd., doi: ۱۰.۱۰۱۷/S۰۳۷۶۸۹۲۹۰۱۲۱۰۴۰۶

Sterck, M. & Scheers, B. & Bouckaert, G. (۲۰۰۶). "Lessons from Australian and British Reforms in Results oriented Financial Management," *OECD Journal on Budgeting*, OECD Publishing, vol. ۵(۲), ۱۳۳-۱۶۲.

Wasserman, S., & Faust, K. (۱۹۹۴). *Social network analysis: Methods and applications*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511810547>

Webber, M. (۱۹۷۳). *Planning in an Environment of Change*. J.B. Culling Worth Ed, London .

Webster, J., & Watson, R. T. (۲۰۰۲). Analyzing the Past to Prepare for the Future: Writing a Literature Review. *MIS Quarterly*, ۲۶(۲), xiii-xxiii. <http://www.jstor.org/stable/4132319>